

Comparative study between the duties and authorities of General Guardianship of the Islamic Jurist in Iran Constitution with the other heads of states in Presidential, Parliamentary, and Semi-presidential systems

Sayed Mohammad Reza Marandi*

Abstract

In 1987, after some disagreements arose among some senior officials of the Islamic Republic over the problems in governance and the extent of an Islamic system jurisdiction in solving those problems, the theory of Absolute Guardianship of the Islamic Jurist, as a theory with long precedence in Shiite political jurisprudence, was raised by Imam Khomeini. Later in 1989, the theory was reflected in articles 57 and 110 while revising the constitution.

Contrary to the views of expert political analysts, studies have shown that the Absolute Guardianship Theory and the state mandate (by the Jurist) are not specific to the Islamic Republic as religious system but also other non-theocratic and secular political systems have alternatives akin to this theory under such titles as “head of state commands”, “Veto”, and “Special Authorities”, by which the other head of states may step further than their constitutional powers. In other words, the three models of Presidential, Parliamentary, and Semi-presidential systems, give more inclusive authorities and powers to a head of state, in most cases if not all, than to the leader of Iran.

In this paper, we manage to legally clarify the Absolute Guardianship of the Islamic Jurist Theory and the significance of state mandates (by the Jurist) in constitutional law,

* department of political jurisprudent, shahid beheshti university, marandi114@gmail.com

Date received: 2021/09/05, Date of acceptance: 2022/09/03



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

and finally draw a comparison between duties and powers of Iran's leader with other heads of states in common models of Presidential, Semi-presidential and Parliamentary systems. Our research method is library and descriptive-analytical.

Keywords: head of state, Absolute Guardianship of the Islamic Jurist, special authorities, state commands, head of state commands.



مطالعه تطبیقی وظایف و اختیارات ولایت مطلقه فقیه در قانون اساسی ایران با روسای کشور در الگوهای اصلی نظام‌های ریاستی، نیمه ریاستی و پارلمانی

سید محمدرضا مرندی*

چکیده

در سال ۱۳۶۶ پس از بروز اختلاف نظرهایی در میان برخی از مسؤولین جمهوری اسلامی در خصوص معضلات پیش آمده در اداره کشور و میزان وظایف و اختیارات نظام اسلامی برای رفع آن معضلات، نظریه ولایت مطلقه فقیه که یک نظریه دارای قدمت در فقه سیاسی شیعه بود از سوی امام خمینی(ره) مطرح گردید. پس از آن نیز، این نظریه در بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۸ در اصولی همچون ۵۷ و ۱۱۰ بازتاب یافت.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که بر خلاف تصور بسیاری از صاحب نظران، نظریه ولایت مطلقه و احکام حکومتی مختص نظام جمهوری اسلامی که یک نظام دینی است، نمی‌باشد بلکه نظام‌های سیاسی غیر دینی و سکولار نیز دارای مابازاء و بدیل‌هایی برای این نظریه، تحت عناوینی هم‌چون «فرامین رئیس کشور»، «اختیارات ویژه» و «حق و تو» هستند که رؤسای کشورها از طریق اعمال آنها، وظایف و اختیارات وسیع و ویژه‌ای پیدا می‌کنند. به عبارت دیگر، رؤسای کشور در دیگر نظام‌های سیاسی در هر سه مدل ریاستی، نیمه ریاستی و پارلمانی نیز دارای وظایف و اختیارات گسترده قانونی و ویژه هستند که اگر نگوییم در همه موارد، حداقل، در اکثر موارد، از وظایف و اختیارات رهبری در ایران بیشتر است.

ما در این نوشتار در پی تبیین حقوقی نظریه ولایت مطلقه فقیه و معادل‌یابی احکام حکومتی در حقوق اساسی و نهایتاً مقایسه وظایف و اختیارات رهبری در ایران با رؤسای

* استادیار فقه سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، marandi114@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲



کشور در الگوهای اصلی سه مدل ریاستی، نیمه ریاستی و پارلمانی هستیم. روش تحقیق ما کتابخانه ای و توصیفی - تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها: رئیس کشور(دولت)، ولایت مطلقه فقیه، اختیارات ویژه، احکام حکومتی، فرامین رئیس کشور.

۱. مقدمه

چه در زمان حیات امام خمینی(ره) و چه پس از رحلت ایشان، اختلاف نظرهایی در خصوص ماهیت نظریه ولایت مطلقه فقیه در میان سیاسیون و اهل نظر بروز پیدا کرد و بعد از رحلت ایشان، کم کم این اختلاف نظرها به سر کلاس های درسی دانشگاهی همچون حقوق، علوم سیاسی و دیگر رشته های مرتبط راه یافت. هم اکنون نیز این مناقشات و اختلاف برداشت‌ها در میان صاحب نظران همچنان پابرجاست با این حال، می توان ادعا کرد که اکثر صاحب نظران، اعم از مخالف و موافق این نظریه، بر این عقیده اند که وظایف و اختیارات رهبری در ایران در مقایسه با رؤسای دولت در دیگر کشورها بسیار بالاست شاید دلیل اصلی این امر، به کارگیری لفظ «مطلق» در نظریه ولایت مطلقه فقیه و وجود اختیار صدور احکام حکومتی برای رهبری در قانون اساسی جمهوری اسلامی باشد. ما در این نوشتار در پی بررسی این موضوع در یک مطالعه تطبیقی هستیم.

در تحقیقاتی که تاکنون صورت پذیرفته فقط وظایف و اختیارات رؤسای کشورهای دیگر هم چون آمریکا، فرانسه، روسیه و انگلیس با مقامات عالی در ایران مقایسه شده لکن وجه نوآوری این پژوهش این است که ما در این پژوهش، به ماهیت جایگاه مقامات عالی در سه نظام ریاستی، نیمه ریاستی و پارلمانی و ابعاد متفاوت اختیارات آنها از جمله اختیارات عادی و ویژه آنان و این که آیا ریاست کشور و ریاست قوه مجریه در آنها از هم تفکیک شده و یا در یک جا جمع گردیده و همچنین معادل یابی مفاهیم و کاربردهای تعبیری همچون «احکام حکومتی» و «ولایت مطلقه» در حقوق اساسی دیگر نظام های سیاسی و ... توجه کرده ایم.

۲. تعریف مفاهیم

برای ورود به این بحث، همانند همه مباحث دیگر، باید ابتدا، مفاهیم اصلی آن را تعریف کنیم.

۱.۲ رئیس کشور (دولت)

برای تعریف مفهوم «رئیس کشور» یا «رئیس دولت» لازم است ابتدا به تعریف مفهوم «دولت» بپردازیم. دولت در لغت به معنی؛ ۱. از حالی به حالی شدن، ۲. گردش نیکبختی و پیروزی از شخصی به دیگری، ۳. اقبال و نیکبختی، ۴. مملکت و کشور و ... است (معین، ۱۳۸۸ ص. ۵۵۳).

در علم حقوق و سیاست، واژه «دولت» که معادل نظام سیاسی و state است به تجلی قدرت ناشی از تشکل سیاسی یک جامعه گفته می شود که دارای چهار رکن؛ سرزمین، جمعیت، حکومت و حاکمیت می باشد (آقایی، بابایی، ۱۳۶۷، ۱، ص. ۳۰۳). بر این اساس، رئیس دولت، بالاترین مقام سیاسی در هر نظام سیاسی است که از آن به رئیس کشور نیز یاد می شود.

۲.۲ ولایت

«ولایت» از ریشه «ولی» بر وزن فُلس به معنای قرب و نزدیکی است. (فیومی، ۱۹۸۷، ج ۲، ص. ۶۷۲ و ابن فارس، ۲۰۰۱، ج ۲، ص. ۱۴۱ و زمخشری، بی تا، ص. ۵۰۹) طریحی می گوید: ولایت با فتحه به معنای محبت، و با کسره به معنای تولیت و سلطنت است و والی کسی را گویند که زمام امور دیگری را به دست خود گیرد و عهده دار آن گردد. (ج ۱، صص ۴۵۵-۴۵۸) یکی از برجسته ترین معانی «ولی» ولایت تدبیر و سرپرستی امور دیگران است. (شرف الدین، ۱۳۹۰، نامه ۳۷ و ۳۸). جوهری می گوید: «هر کس کار دیگری را بر عهده گیرد، ولی اوست». (ج ۶، ص. ۲۵۲۸) شرتونی در اقرب الموارد نیز «ولایت» را به معنای خطه و امارت و حکومت داشتن معنا کرده است. (ج ۲، ص. ۱۴۸۷) بنابراین هرگاه «ولی» در خصوص تدبیر امور اجتماعی مطرح شود، مراد همان ولایت، زعامت و رهبری است. لذا واژه «ولایت» در اصطلاح هم ردیف واژه هایی مانند «سرپرستی»، «زعامت» و «ریاست» ذکر شده و مراد از آن سرپرستی و اداره امر دیگری را بر عهده داشتن است.

۳.۲ مطلق

مطلق در لغت به معنای آزاد، رها و بی قید... [و همچنین به معنای] چیزی که شایع در جنس خود باشد، کل، تمام، کامل، بدون استثنا، همه و عام است (معین، ۱۳۸۸، ص. ۱۳۳). معادل واژه

مطلق در زبان فارسی و عربی، واژه انگلیسی absolute قرار دارد. (آریان پور، عباس. آریان پور، منوچهر. ۱۳۶۷ ص. ۶) از بررسی معنای مطلق در عربی و فارسی می توان به دو معنای متفاوت آن پی برد: ۱. «آزاد» و «رها» و ۲. «هر»، «همه» و «کل».

۱.۳.۲ دو مرتبه از اطلاق

همان گونه که گفتیم، یکی از معانی مطلق، «همه» و «کل» است. از دقت در معنای مطلق در این معنی، به دو مرتبه از اطلاق پی می بریم؛ تام و غیر تام. این تفکیک بر اساس یک حصر استقرائی لغوی صورت پذیرفته است.

۱. مطلق تام، مطلقاً است که در خصوص یک مجموعه نامحدود به کار برده شود؛ همانند به کار بردن تعبیر قادر مطلق برای خداوند متعال هنگامی که گفته می شود: «ان الله علی کل شیء قدير» خداوند بر هر (همه) چیز تواناست (نور، ۴۵).

یعنی خداوند دارای توانایی مطلق (به صورت تام) است. زیرا مجموعه ای که قدرت خداوند بر آن تعلق می گیرد نامحدود است؛ به عبارت دیگر، مطلق در اینجا به معنی «همه ی نامحدود» است.

۲. مطلق غیر تام، مطلقاً است که در خصوص یک مجموعه محدود به کار برده شود؛ همانند زمانی که گفته شود «مطلق افراد حاضر در این جلسه، دانشگاهی هستند» که گرچه مطلق در اینجا نیز همانند مورد قبلی به معنی «همه» است لکن این همه، «همه ی محدود» است.

۴.۲ ولایت مطلقه

در ادبیات حقوقی و سیاسی، ولایت مطلقه که از آن بیشتر، به حکومت مطلقه یاد می شود به معنی داشتن حق اعمال قدرت به صورت مطلق از سوی زمامدار است که نمود آن در نظام های استبدادی (absolute regimes) می باشد. در این نظام ها، حاکم و زمامدار جامعه - که عمدتاً پادشاه است - دارای اختیارات فرا قانونی و مطلق بوده و هر عملی را که اراده کند - چه قانونی و چه غیر قانونی - مجاز به انجام آن می باشد. (قاضی شریعت پناهی ۱۳۷۶، ج ۱، صص ۵۵۹-۵۶۰ و بوشهری ۱۳۹۰، ج ۱، ص. ۱۶۲)

از این تعریف در می یابیم که مطلق حقوقی، مطلقاً تام و نامحدود است.

لکن در ادبیات فقهی، ولایت مطلقه به این معنی نیست بلکه به معنی مقید نبودن اختیار حاکم اسلامی به امور حسبیه و احکام اولی شرعی است. (نراقی، بی تا، عانده ۵۴، صص ۵۳۶-۵۳۷) که لازمه آن، جواز عمل به احکام مصلحتی و حکومتی از سوی وی می باشد. (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۲۱، ص ۳۹۷ و ج ۴۰، ص ۱۸۰ و ارسطا، ۱۳۸۹، صص ۶۵-۶۹)

به عبارت دیگر، مطلق فقهی، مطلق غیرتام و محدود است که مطابق آن، زمامدار اسلامی بر خلاف تعبیر حقوقی مطلق، مجاز به انجام هر فعلی که اراده کند نیست بلکه صرفاً در چهارچوب احکام شرعی، دارای ولایت مطلقه یعنی اختیار صدور احکام مصلحتی (حکومتی) - که خود، قسمی از احکام شرعی هستند- می باشد. برخی از صاحب نظران این تفاوت را تحت عنوان تفکیک «ولایت مطلقه و حکومت مطلقه» مطرح کرده اند. (ارسطا، ۱۳۸۹، صص ۹۵-۹۷) ما از این نوع اطلاق، به اطلاق احکامی در مقابل اطلاق افعالی (مورد استفاده در متون سیاسی و حقوقی) یاد می کنیم.

۱.۴.۲ مطلق؛ مشترک لفظی بین فقها و حقوقدانان

از آن چه در تعریف مطلق و مراتب آن گفتیم درمی یابیم که مطلق؛ مشترک لفظی بین فقها و حقوقدانان است یعنی لفظی است که مشترکاً هم در فقه و هم در حقوق به کار می رود ولی دارای معنایی متفاوت در آن دو است به عبارت دیگر همان طور که در بحث مراتب اطلاق گفتیم مطلق، در اصطلاح علمای حقوق و سیاست، تام؛ لکن در اصطلاح علمای فقه و اصول، غیر تام است؛ راز این تفاوت نیز به این امر برمی گردد که اطلاق مورد نظر حقوقدانان، افعالی است و از آنجایی که تعداد افعالی که از یک نفر (زمامدار) امکان صدور دارد نامحدود است این اطلاق، تام (نامحدود) نامیده می شود در حالی که اطلاق مورد نظر فقها، احکامی است و از آنجایی اقسام احکام شرعی محدود است، به این اطلاق، اطلاق غیر تام (محدود) گفته می شود.

به عبارت دیگر، ولایت فقیه - بلکه حتی ولایت معصوم (ع) - فقط نسبت به اقسام احکام شرعی مطلق است؛ نه نسبت به هر فعلی که امکان صدور آن از سوی حاکم می رود؛ در حالی که ولایت پادشاهان در نظام های استبدادی، دارای اطلاق افعالی و تام می باشد.

۲.۴.۲ نظام‌های ریاستی، پارلمانی و نیمه ریاستی - نیمه پارلمانی

در دانش حقوق اساسی تطبیقی، نظام‌های حقوقی دنیا به سه مدل اصلی؛ ریاستی، پارلمانی و نیمه ریاستی تقسیم می‌شوند که به اجمال می‌توان آنها را این‌گونه تعریف کرد: نظام‌های ریاستی، نظام‌هایی هستند که در آنها، تفکیک کامل قوا حاکم است و قوه مجریه و رئیس آن، بر قوه مقننه، برتری دارد و از آزادی عمل و اختیار بسیاری برخوردار است بر عکس آن، نظام‌های پارلمانی هستند که در آنها، قوه مقننه موجد قوه مجریه و مسلط بر آن است. به عبارت دیگر، قوه مجریه به قوه مقننه وابسته است و در عین تفکیک و تمایز، باید مسئول و پاسخ‌گوی قوه مقننه باشد چراکه از آن ناشی شده است. نظام‌های نیمه ریاستی، در حد وسط این دو، قرار دارند و آمیزه‌ای از نظام‌های ریاستی و پارلمانی هستند. به این معنی که قوه مجریه و رئیس آن، یک دسته برتری‌ها و استقلال عمل‌هایی نسبت به قوه مقننه و مجلس دارد و در مقابل، قوه مقننه نیز بر کار قوه مجریه به طور نسبی نظارت می‌کند. (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۷۶، ج ۱، صص ۵۵۲-۵۵۷)

به نظر می‌رسد که مدل حقوقی نظام جمهوری اسلامی گرچه هیچکدام از دو مدل ریاستی و پارلمانی نیست؛ اما در عین حال با نظام‌های نیمه ریاستی هم متفاوت است زیرا نظام‌های نیمه ریاستی گرچه نه ریاستی هستند و نه پارلمانی اما به ریاستی شبیه‌ترند تا پارلمانی؛ ولی نظام جمهوری اسلامی به پارلمانی نزدیک‌تر است تا ریاستی؛ فرق مدل حقوقی نظام جمهوری اسلامی با نظام‌های نیمه ریاستی این است که این مدل‌ها در مجموع از جهت ویژگی‌ها، بیشتر به ریاستی نزدیک‌ترند تا به پارلمانی اما مدل حقوقی نظام جمهوری اسلامی گرچه نه ریاستی است و نه پارلمانی، در مجموع از جهت ویژگی‌ها، بیشتر به پارلمانی نزدیک‌تر است تا به ریاستی. به نظر نگارنده، شایسته است از این مدل به عنوان مدل چهارمی تحت عنوان نیمه پارلمانی در مقابل مدل نیمه ریاستی یاد بشود.

۳. نسبت «احکام حکومتی» در فقه شیعه و قانون اساسی ایران با «فرامین رئیس

کشور» در حقوق اساسی

برای این که جایگاه احکام حکومتی را در حقوق اساسی در بیابیم لازم است که در ابتدا، منابع حقوق اساسی را مورد مطالعه و بررسی مجدد قرار دهیم. علمای حقوق اساسی، منابع این علم را به دو قسم عام یا مشترک و خاص تقسیم می‌کنند:

۱.۳ منابع عام یا مشترک

این منابع که مشترک در میان همه نظام های سیاسی هستند عبارتند از:
«قانون اساسی، قوانین عادی، همه پرسسی، رویه های قضایی، نظریه های حقوقدانها، آیین نامه های داخلی مجلس، عرف و آداب و رسوم، فرامین رئیس کشور» (بوشهری، ۱۳۹۰، صص ۶-۱۹ و قاضی شریعت پناهی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۸۹)

۲.۳ منابع خاص (در جمهوری اسلامی ایران)

مقصود از منابع خاص- در اینجا- منابع خاص حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران است. این منابع در کتب حقوق اساسی این گونه ذکر شده اند: «ادله شرعیه (کتاب، سنت، عقل، اجماع)، نظریه های تفسیری شورای نگهبان، مصوبات مجمع تشخیص مصلحت، مصوبات شورای عالی امنیت ملی، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، احکام حکومتی رهبری» (هاشمی، ۱۳۷۷ ج ۱، صص ۶۸-۷۵ و شعبانی، ۱۳۹۴، ص)

اگر خوب دقت کنیم «احکام حکومتی رهبری» که از آن به عنوان منبع خاص حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران یاد می شود در واقع، همان «فرامین رئیس کشور» است که از منابع عام و مشترک می باشد زیرا «احکام» در عربی، معادل «فرامین» در فارسی است و «رهبر» در ایران نیز «رئیس کشور» است. بنابر این «احکام حکومتی رهبری» چیزی متفاوت از «فرامین رئیس کشور» که از منابع عام حقوق اساسی در همه کشورها و به منزله قانون در همه نظام های سیاسی محسوب می شود، نیست و امری مختص نظام جمهوری اسلامی نمی باشد.

۴. ملاحظاتی در وظایف و اختیارات رئیس کشور در نظام های ریاستی، پارلمانی و نیمه ریاستی

به طور کلی بررسی وظایف و اختیارات رؤسای کشورها در سه نظام ریاستی، نیمه ریاستی و پارلمانی، مستلزم توجه به سه ملاحظه حقوقی است:

۱. تفکیک یا تجمیع جایگاه ریاست کشور و ریاست قوه مجریه؛

بدین معنی که ضرورتاً در هر نظامی، رئیس کشور، رئیس قوه مجریه نیست بلکه در نظام های پارلمانی، ریاست کشور از ریاست قوه مجریه منفک است؛ بر خلاف نظام های

ریاستی و نیمه ریاستی، که در آنها ریاست کشور و ریاست قوه مجریه هر دو در دست یک نفر است.

۲. تفکیک میان بالاترین مقام و پراختیارترین مقام؛

بدین معنی که ضرورتاً در هر نظامی، بالاترین مقام، پراختیارترین مقام نیست. یعنی گرچه در نظام های ریاستی و نیمه ریاستی، بالاترین مقام (یعنی رئیس کشور) پراختیارترین مقام هم هست اما در نظام های پارلمانی، وظایف و اختیارات رئیس قوه مجریه بیشتر از رئیس کشور است؛ به عبارت دیگر، در این نظام ها، اولاً نفر دوم از نفر اول پراختیارتر است و ثانیاً وظایف و اختیارات هر دو مقام به نسبت نظام های ریاستی و نیمه ریاستی پائین تر است.

۳. تفکیک وظایف و اختیارات رؤسای کشور به عادی و ویژه؛

بدین معنی رؤسای کشور در نظام های مختلف، دارای دو دسته وظایف و اختیارات هستند؛ یکی، وظایف و اختیارات عادی که مربوط به شرایط عادی است و دیگری، وظایف و اختیارات ویژه، که مختص شرایط استثنایی و ویژه است و همان گونه که قبلاً اشاره کردیم از این امر در منابع عام حقوق اساسی تحت عنوان «اختیار صدور فرامین حکومتی» یاد می شود. به عبارت دیگر این اختیار، یک اختیار ویژه است که مختص شرایط استثنایی و ویژه است آن جایی که نمی توان با قانون عادی مشکل را حل کرد لذا بناچار رئیس کشور با استفاده از وظایف و اختیارات ویژه خود، مشکل را مرتفع می کند.

۱.۴ اختیارات رئیس کشور و رئیس قوه مجریه در دو نظام تجمیعی و تفکیکی

توجه به این نکته ضروری است که در نظام های تجمیعی (ریاستی و نیمه ریاستی) که در آنها، ریاست کشور و ریاست قوه مجریه هر دو در یک نفر جمع شده است، اختیارات رئیس کشور بسیار بالاست. مثال: امریکا، روسیه و فرانسه؛

اما در نظام های تفکیکی (عمدتاً پارلمانی) که در آنها، ریاست کشور از ریاست قوه مجریه منفک است اولاً اختیارات هر دو مقام ریاست کشور و ریاست قوه مجریه، به نسبت نظام های تجمیعی، کمتر است و ثانیاً اختیارات رئیس قوه مجریه در آنها بیشتر از رئیس کشور است؛

مطالعه تطبیقی وظایف و اختیارات ولایت مطلقه فقیه در ... (سید محمدرضا مرندی) ۹۳

به عبارت دیگر، در نظامهای تفکیکی، نفر دوم از نفر اول پراختیارتر است. مثال: انگلستان، آلمان، هند، ژاپن، عراق

۵. جایگاه رئیس کشور در ایران در تطبیق با سه مدل نظام‌های سیاسی

از بررسی سه مدل ریاستی، نیمه ریاستی و پارلمانی و مقایسه جایگاه رئیس کشور در ایران با آنها می‌توان نتایج زیر را به دست آورد:

الف) ایران از جهت؛ ۱. تفکیک ریاست کشور از ریاست قوه مجریه ۲. انتخاب غیرمستقیم رئیس کشور ۳. پراختیارتر بودن رئیس قوه مجریه نسبت به رئیس کشور، شبیه نظام‌های پارلمانی است و در نقطه مقابل نظام‌های ریاستی و نیمه ریاستی قرار دارد. ب) اما از جهت انتخاب مستقیم رئیس قوه مجریه شبیه نظام‌های نیمه ریاستی و تا حدی ریاستی است.

و این قسمی از دلیل ما براین مدعاست که مدل حقوقی نظام ایران به پارلمانی شبیه تر است تا ریاستی؛ و به عبارت دیگر، نیمه پارلمانی نیمه ریاستی است (با غلبه پارلمانی بر ریاستی).

۶. مقایسه وظایف و اختیارات رهبر در ایران با رؤسای کشور در الگوهای اصلی مدل‌های سه‌گانه

در این قسمت از بحث در پی مقایسه وظایف و اختیارات عادی و ویژه رهبری در نظام جمهوری اسلامی با وظایف و اختیارات عادی و ویژه رؤسای کشور در امریکا، فرانسه، روسیه و انگلیس به عنوان الگوهای اصلی نظام‌های ریاستی، پارلمانی و نیمه ریاستی هستیم. لذا در ابتدا وظایف و اختیارات رهبر را از قانون اساسی جمهوری اسلامی ذکر می‌کنیم سپس آن را با وظایف و اختیارات رؤسای این کشورها مقایسه می‌کنیم.

۱.۶ وظایف و اختیارات رهبر در قانون اساسی جمهوری اسلامی

وظایف و اختیارات رهبر در جمهوری اسلامی ایران عبارت است از:

۱. تعیین سیاست‌های کلی نظام و نظارت بر حسن اجرای آنها، ۲. فرمان همه‌پرسی، ۳. فرماندهی کل نیروهای مسلح، ۴. اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها، ۵. عزل و نصب و

قبول استعفای: رئیس قوه قضائیه، رئیس صدا و سیما، رئیس ستاد مشترک، رئیس سپاه و فرماندهان عالی نظامی و انتظامی، فقهای شورای نگهبان، ۶. حل اختلاف و تنظیم روابط قوا، ۷. تنفیذ حکم رئیس جمهور، ۸. پذیرش عزل رئیس جمهور، ۹. عفو یا تخفیف مجازات محکومین، ۱۰. تعیین اعضای ثابت و متغیر مجمع تشخیص مصلحت ۱۱. تعیین ۱۰ نفر از اعضای شورای بازنگری، ۱۲. حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست. (اصول ۵۷، ۱۱۰، ۱۱۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

۲.۶ وظایف و اختیارات رؤسای کشور در نظام‌های ریاستی و نیمه ریاستی

در نظام‌های ریاستی و نیمه ریاستی مثل امریکا، فرانسه و روسیه، رؤسای کشورها دارای وظایف و اختیاراتی به شرح ذیل هستند:

۱.۲.۶ وظایف و اختیارات رئیس جمهور امریکا

رئیس جمهور امریکا دارای وظایف و اختیارات زیر است:

۱. نظارت، حراست، حفاظت و پشتیبانی از قانون اساسی، ۲. فرماندهی کل قوا، ۳. عفو و تخفیف مجازات مجرمان، ۴. انعقاد عهدنامه با کشورهای خارجی با موافقت مجلس سنا، ۵. تعیین سیاست‌های کنونی و آینده کشور، ۶. عزل و نصب مقامات عالی‌رتبه دولت، ۷. تعیین قضات محاکم فدرال، ۸. انعقاد و لغو قرارداد های خارجی بدون احتیاج به تأیید مجلس سنا، ۹. اختیار مخالفت با مصوبات مجالس قانونگذاری (حق وتو)، ۱۰. تعطیلی موقت کنگره، ۱۱. اعلام جنگ و صلح، ۱۲. اعمال تحریم علیه یک کشور اعلام، ۱۳. اعلام وضعیت فوق العاده ملی، ۱۴. اختیارات ویژه در موارد اضطراری: رئیس جمهور می تواند هرگونه اقدامی را با هرگونه کیفیت و سیاستی که مقدر باشد به اجرا بگذارد. (بخش های ۲ و ۳ و ۴ اصل ۲ قانون اساسی امریکا مصوب ۱۷۸۹ و احکام اجرائی ناشی از آن)

برای اطلاع بیشتر از کمیت و کیفیت اعمال حق رئیس جمهور امریکا در مخالفت با مصوبات مجالس قانونگذاری (حق وتو)، جدول زیر که نمونه ای از وتوهای رؤسای جمهور امریکا است می تواند تا حدی گویا باشد:

رئیس جمهور	مدت (سال)	از	تا	تعداد وتو	وتوی لغو شده
کالوین کولیج	6	1923	1929	50	4
جرالد فورد	3	1975	1978	66	12
رونالد ریگان	8	1981	1989	78	9
تئودور روزولت	8	1901	1909	82	1
گران	8	1869	1877	93	4
آیزنهاور	8	1953	1961	181	2
هری ترومن	8	1945	1953	250	12
کلیولند	8	1885 1893	1889 1897	584	7
فرانکلین روزولت	13	1933	1945	635	9

(U.S. Senate: Vetoes, 1789 to Present. June 29, 2020. Accessed October 25, 2020.)
(<https://www.senate.gov/legislative/vetoes/vetoCounts.htm>)

توجه به این آمار، میزان و کمیت استفاده رؤسای جمهور امریکا از این اختیار فراقانونی را به نمایش می گذارد. در این خصوص، توجه به نسبت بسیار کم وتوهای که لغو شده نیز گویای اختیار بسیار بالای رئیس جمهور در امریکاست.

۲.۲.۶ وظایف و اختیارات رئیس جمهور فرانسه

مطابق قانون اساسی جمهوری پنجم فرانسه مصوب سال ۱۹۵۸ و احکام اجرائی آن، وظایف و اختیارات رئیس جمهور فرانسه عبارت است از:

۱. فرماندهی کل قوا،
۲. عفو خصوصی مجرمان،
۳. تعیین نخست وزیر و پذیرش استعفا او،
۴. عزل و نصب وزیران با پیشنهاد نخست وزیر و پذیرش وی،
۵. توشیح مصوبات مجلس،
۶. عزل و نصب مقامات کشوری و لشکری و سفرا،
۷. اعلان جنگ و صلح و اقدامات ویژه در شرایط بحرانی،
۸. اعلام و تشخیص موارد و زمان فراندم،
۹. موافقت با تجدید نظر در قانون اساسی،
۱۰. تعیین سه عضو شورای قانون اساسی،
۱۱. ریاست شورای عالی قضایی،
۱۲. انحلال مجلس ملی (یک بار در سال)،
۱۳. برخورداری از مصونیت قانونی
۱۴. اختیارات ویژه: عمل کردن به جای سه قوه در شرایط خاص. (قانون اساسی فرانسه، ۱۳۷۶).

در توضیح اختیارات ویژه رئیس‌جمهور فرانسه، باید توجه داشت که مطابق اصل ۱۶ قانون اساسی جمهوری پنجم، هر گاه در فرانسه، نهادهای جمهوری، استقلال ملی، تمامیت ارضی یا اجرای تعهدات بین‌المللی به طور جدی و فوری در معرض تهدید قرار بگیرند و عملکرد منظم قوای عمومی مختل شود، رئیس‌جمهور می‌تواند اقدامات ویژه‌ای را بدون نیاز به تأمین نظر مجلس ملی و دستگاه قضائی به موقع اجرا بگذارد. (همان)

و این در حالی است که مطابق اصل ۶۸ قانون اساسی فرانسه، رئیس‌جمهور در قبال اقداماتی که در اجرای وظایف خود انجام می‌دهد مسؤول و پاسخگو نبوده و دارای مصونیت حقوقی و قضایی است یعنی نه پارلمان و نه دستگاه قضایی هیچکدام نمی‌توانند وی را مورد بازخواست و پیگرد قانونی و قضایی قرار دهند. (همان)

۳.۲.۶ وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور روسیه

در جمهوری فدراتیو روسیه، رئیس‌جمهور دارای وظایف و اختیارات زیر است:

۱. تعیین جهت‌گیریهای اساسی سیاست داخلی و خارجی، ۲. هماهنگ کردن همه ارگان‌های دولتی، ۳. انتصاب رئیس هیئت دولت، ۴. پیشنهاد عزل و نصب رئیس بانک مرکزی، ۵. عزل و نصب قضات دادگاه قانون اساسی دادگاه عالی و دادستان کل، ۶. ریاست شورای عالی امنیت، ۷. تصویب دکترین نظامی کشور، ۸. عزل و نصب فرماندهان عالی نیروهای مسلح و سفر، ۹. اعلام فرماندوم، ۱۰. تقدیم لوایح به دومای دولتی، ۱۱. امضای قوانین فدرال، ۱۲. فرمانده کل نیروهای مسلح، ۱۳. اعلان حکومت نظامی، ۱۴. اعلان حالت فوق‌العاده، ۱۵. عفو محکومان، ۱۶. برخورداری از مصونیت قانونی، ۱۷. صدور فرامین حکومتی، ۱۸. انحلال مجلس دومای دولتی. (اصول ۸۰ تا ۹۳ از فصل ۴ قانون اساسی جمهوری فدراتیو روسیه).

۴.۲.۶ مقایسه وظایف و اختیارات رهبر در ایران با رؤسای کشور در نظام‌های

ریاستی و نیمه ریاستی

الف) از مقایسه وظایف و اختیارات عادی (قانونی) رهبر در ایران با رئیس‌جمهور در امریکا، فرانسه و روسیه می‌توانیم به نتایج زیر دست پیدا کنیم:

۱. از آن جایی که در سه کشور یاد شده، ریاست کشور و ریاست قوه مجریه هر دو در دست یک نفر است لذا وظایف و اختیارات عادی (قانونی) رئیس کشور در این نظام‌ها بسیار بالاتر از رهبری در ایران است که فقط جایگاه ریاست کشور را دارد و قسم عمده‌ای از اختیاراتش به وسیله رئیس جمهور که ریاست قوه مجریه را در دست دارد محدود می‌شود.

۲. علاوه بر آن، اگر مجموع وظایف و اختیارات عادی (قانونی) رهبر و رئیس جمهور را در ایران با هم جمع کنیم باز این مجموع، از وظایف و اختیارات رئیس کشور در هر کدام از این سه نظام، کمتر می‌باشد زیرا در این سه نظام، وظایف و اختیارات مازادی برای رئیس کشور پیش بینی شده که در ایران نه برای رهبر و نه رئیس جمهور پیش بینی نشده است. برای مثال رئیس جمهور امریکا دارای اختیار: انعقاد و لغو قرارداد های خارجی بدون احتیاج به تأیید مجلس سنا، تعطیلی موقت کنگره، اعمال تحریم علیه یک کشور، اعلام وضعیت فوق العاده ملی، است. همچنین رئیس جمهور فرانسه دارای اختیار: ریاست شورای عالی قضایی، انحلال مجلس ملی و برخورداری از مصونیت قانونی است و رئیس جمهور روسیه دارای اختیار: اعلان حکومت نظامی، اعلان حالت فوق العاده، برخورداری از مصونیت قانونی، انحلال مجلس دومای دولتی است؛ در حالی که نه رهبر و نه رئیس جمهور، هیچکدام اختیار قانونی و عادی اعمال این اختیارات را ندارند.

ب) در خصوص مقایسه وظایف و اختیارات ویژه رهبر در ایران با رئیس جمهور در سه کشور یادشده نیز عرض می‌شود که به این وظایف و اختیارات رهبری در ایران در دو جا در قانون اساسی جمهوری اسلامی اشاره شده یکی در اصل ۵۷ که تعبیر «ولایت مطلقه امر» به کاررفته و دیگری در بند ۸ اصل ۱۱۰ که اختیار «حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست» را برای رهبری ذکر می‌کند.

در امریکا اختیارات ویژه برای رئیس جمهور را یکی از «اختیار مخالفت با مصوبات مجالس قانون گذاری» (حق وتو) و دیگری از اختیارات ویژه رئیس جمهور در شرایط خاص که به او اختیار «انجام هرگونه اقدامی با هرگونه کیفیت و سیاستی که مقدر باشد» را می‌دهد می‌توان فهمید؛ در واقع واژه «هر» که از ادات اطلاق است در این عبارت، رساننده مفهوم ولایت مطلقه رئیس جمهور امریکا است.

این نوع از اختیارات ویژه برای رئیس جمهور فرانسه را از تعبیر «برخورداری از مصونیت قانونی» (اصل ۸۶) و «عمل کردن به جای سه قوه در شرایط خاص» (اصل ۱۶) و برای رئیس جمهور روسیه از اختیار «برخورداری از مصونیت قانونی» و اختیار «صدور فرامین حکومتی» می توان فهمید.

بنابراین از مقایسه اختیارات ویژه رهبر در ایران با رؤسای کشور در این سه نظام درمی یابیم که در هر چهار نظام، رئیس کشور علاوه بر اختیارات قانونی و عادی، دارای اختیارات خاص و ویژه ای است که بر اساس آن می تواند قوانین عادی را نادیده بگیرد. که با توجه به عدم پاسخ گویی و مصونیت رؤسای جمهور در فرانسه و روسیه و کمیت بالای اعمال حق و تو از سوی رئیس جمهور امریکا می توان ادعا کرد که در این حوزه نیز رهبری در ایران از اختیارات محدودتر و نظارت پذیرتری برخوردار است.

۳.۶ وظایف و اختیارات رؤسای کشور در نظام های پارلمانی

یادآوری می شود که در نظام های پارلمانی، همانند انگلستان، آلمان، هند، ژاپن و عراق، ریاست کشور از ریاست قوه مجریه منفک است که ایران نیز از این جهت، شبیه نظام های پارلمانی است. لذا در این نظام ها، وظایف و اختیارات رئیس کشور، به نسبت نظام های ریاستی و نیمه ریاستی، پائین است. در اینجا نگاهی گذرا به وظایف و اختیارات رئیس کشور در دو کشور انگلیس و ژاپن می اندازیم:

۱.۳.۶ وظایف و اختیارات ملکه انگلستان

ملکه یا پادشاه در انگلستان، ریاست کشور را بر عهده دارد و از وظایف و اختیارات ذیل برخوردار است:

۱. انعقاد و فسخ قراردادهای بین المللی بدون نیاز به تصویب مجلس، ۲. عزل و نصب وزیران، ۳. انحلال دو مجلس، ۴. تعطیلی پارلمان، ۵. انتصاب اعضای مجلس لردها متشکل از ۹۲۶ لرد، ۶. تنفیذ و عزل نخست وزیر، ۷. توشیح لوایح و طرحها، ۸. فرماندهی کل نیروهای مسلح، ۹. تعیین نخست وزیر در شرایط خاص، ۱۰. تعیین عالی ترین مقام قضایی کشور، ۱۱. عفو و تخفیف مجازات محکومین، ۱۲. مصونیت مطلق در برابر قانون. (بوشهری، ۱۳۹۰، صص ۲۶۴-۲۶۶ و قاضی شریعت پناهی، ۱۳۷۶، ص. ۵۷۵)

۲.۳.۶ وظایف و اختیارات امپراتور ژاپن

وظایف و اختیارات امپراتور ژاپن به قرار ذیل است:

۱. نصب نخست وزیر منتخب مجلسین؛ ۲. نصب رئیس قضاات دیوان عالی کشور پس از معرفی هیأت وزیران؛ ۳. توشیح و صدور فرمان اجرای اصلاحات قانون اساسی، قوانین عادی و تصویب نامه های هیأت وزیران؛ ۴. داشتن حق دعوت به تشکیل مجلسین، ۵. حق انحلال مجلس نمایندگان؛ ۶. اعلام انتخابات عمومی برای تعیین اعضای مجلسین؛ ۷. تایید، نصب و عزل وزیران و سایر مقامات دولتی و نیز تایید اختیارات تام و استوارنامه سفیران و نمایندگان سیاسی کشور در خارج؛ ۸. تایید عفو عمومی و اختصاصی، تخفیف و تعویق مجازات و اعاده حقوق محکومین؛ ۹. تایید اسناد و مدارک سیاسی به ترتیبی که قانون پیش بینی کرده؛ ۱۰. اعطای نشان های افتخار دولتی ۱۱. پذیرش سفیران و نمایندگان سیاسی خارجی؛ (قانون اساسی ژاپن، تهران، ۱۳۶۸)

۳.۳.۶ مقایسه وظایف و اختیارات رهبر در ایران با رؤسای کشور در نظام های

پارلمانی

الف) از مقایسه وظایف و اختیارات عادی (قانونی) و ویژه (فرا قانونی) رهبر در ایران با رئیس کشور در انگلستان و ژاپن می توانیم به نتایج زیر دست پیدا کنیم:

اگر وظایف و اختیارات رهبر در ایران را با رئیس کشور در این دو نظام، مقایسه کنیم شاهد وظایف و اختیارات فوق العاده و مازادی برای رئیس کشور در این دو کشور هستیم که رهبر در ایران فاقد آنهاست؛ همچون:

ملکه انگلیس دارای اختیار: «انعقاد و فسخ قراردادهای بین المللی بدون نیاز به تصویب مجلس»، «عزل و نصب وزیران»، «انحلال دو مجلس»، «تعطیلی پارلمان»، «انتصاب اعضای مجلس لردها متشکل از ۹۲۶ لرد»، «عزل نخست وزیر»، «توشیح لوایح و طرح ها»، «تعیین نخست وزیر در شرایط خاص»، «مصونیت مطلق در برابر قانون» که رهبر در ایران هیچ کدام از آنها را ندارد.

امپراتور ژاپن نیز دارای اختیار: «حق انحلال مجلس نمایندگان»؛ «اعلام انتخابات عمومی برای تعیین اعضای مجلسین»؛ «تایید، نصب و عزل وزیران و سایر مقامات دولتی»، «تایید اختیارات تام و استوارنامه سفیران و نمایندگان سیاسی کشور در خارج»؛ «تایید اسناد و مدارک

سیاسی به ترتیبی که قانون پیش بینی کرده؛ «اعطای نشان های افتخار دولتی»، «پذیرش سفیران و نمایندگان سیاسی خارجی»؛ «حق انحلال مجلس نمایندگان»؛ «اعلام انتخابات عمومی برای تعیین اعضای مجلسین» که هیچکدام از موارد پیش گفته از وظایف و اختیارات امپراتور ژاپن را رهبری در نظام جمهوری اسلامی ندارد. و جالب اینجاست که گفته می شود ملکه انگلیس و امپراتور ژاپن دارای مقام تشریفاتی هستند.

هم چنین لازم است به این نکته اشاره شود که در خصوص مقایسه ماهیت وظایف و اختیارات رئیس کشور و رئیس قوه مجریه در نظام های پارلمانی و تفکیکی از جمله نظام جمهوری اسلامی ایران، وظایف و اختیارات رئیس کشور، بیشتر، ماهیت راهبردی، کلان، در جهت حفظ کلیت و اصالت نظام سیاسی و ایجاد ثبات و تعادل در آن دارد و دارای آثار درازمدت و از تعدد کمتری برخوردار است. اما وظایف و اختیارات رئیس قوه مجریه، بیش تر، دارای ماهیتی کاربردی، خرد، اجرائی و معیشتی است و دارای آثار کوتاه مدت و مقطعی و از تعدد بیش تری برخوردار است.

۷. نتیجه گیری

بررسی ها نشان می دهد که نظریه ولایت مطلقه و احکام حکومتی مختص نظام جمهوری اسلامی که یک نظام دینی است، نمی باشد بلکه نظام های سیاسی غیر دینی و سکولار نیز دارای مابازاء و بدیلهایی برای این نظریه، تحت عناوینی همچون «فرامین رئیس کشور»، «اختیارات ویژه» و «حق وتو» هستند که رؤسای کشورها از طریق اعمال آنها، وظایف و اختیارات وسیع و ویژه ای پیدا می کنند. توجه به این نکته ضروری است که مفهوم مطلق در اصطلاح فقهی با اصطلاح حقوقی آن دارای اشتراک لفظی است یعنی گرچه در لفظ اشتراک دارد اما در معنا دارای تفاوت است؛ بدین صورت که مطلق در فقه، غیر تام و احکامی است لکن در حقوق، تام و افعالی می باشد. به عبارت دیگر ولایت فقیه فقط نسبت به اقسام احکام شرعی مطلق است نه نسبت به هر فعلی که امکان صدور آن از سوی حاکم وجود دارد و همچنین اعمال آن، دارای محدودیت هایی همچون استثنا بودن، موقت بودن، وجود مصلحت، اجتماعی بودن و ... است.

سپس بررسی کردیم که «احکام حکومتی رهبری» که از آن به عنوان منبع خاص حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران یاد می شود در واقع، همان «فرامین رئیس

۱۰۱ مطالعه تطبیقی وظایف و اختیارات ولایت مطلقه فقیه در ... (سید محمدرضا مرندی)

کشور» است که از منابع عام و مشترک حقوق اساسی در همه کشورها و به منزله قانون در همه نظام‌های سیاسی محسوب می‌شود، نیست و امری مختص نظام جمهوری اسلامی نمی‌باشد. هم‌چنین گفته شد که وظایف و اختیارات رؤسای کشورها در نظام‌های حقوقی مختلف، مستلزم توجه به سه ملاحظه حقوقی است:

۱. تفکیک میان ریاست کشور و ریاست قوه مجریه؛

که بر اساس آن، رئیس کشور (رهبر) در نظام جمهوری اسلامی ایران بر خلاف نظام‌های ریاستی و نیمه ریاستی، که در آنها ریاست کشور و ریاست قوه مجریه هر دو در دست یک نفر است؛ به نسبت از اختیارات کمتری برخوردار است.

۲. تفکیک میان بالاترین مقام و پراختیارترین مقام؛

که مطابق آن در نظام جمهوری اسلامی ایران، رئیس جمهور که مقام دوم است از رهبر که بالاترین مقام می‌باشد پراختیارتر است.

۳. تفکیک وظایف و اختیارات رؤسای کشور به عادی (قانونی) و ویژه؛

که بر این اساس، وظایف و اختیارات قانونی (عادی) رهبر در جمهوری اسلامی به نسبت رؤسای کشور در نظام‌های نوع اول (ریاستی و نیمه ریاستی) بسیار پایین است و فقط با رؤسای کشور در نظام‌های نوع دوم (پارلمانی) قابل مقایسه است.

و وظایف و اختیارات ویژه رؤسای کشور (چه نوع اول یعنی تجمیعی و چه نوع دوم یعنی تفکیکی) به نسبت رهبر در ایران به مراتب گسترده تر و غیر قابل کنترل تر است.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

آریان پور، عباس. آریان پور، منوچهر. (۱۳۶۷) فرهنگ فشرده انگلیسی به فارسی یک‌جلدی. تهران: امیرکبیر، چاپ ۱۲.

آقایی، بهمن و بابایی، علی. (۱۳۶۷) فرهنگ علوم سیاسی. ج ۲، تهران: نشر ویس.

ابن فارس. (م ۲۰۱ = ق ۱۴۲۲ = ۱۳۸۰) معجم مقاییس اللغة. اعتسی به محمدعوض مرعب، الانیسه فاطمه محمداصلان. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

ارسطا، محمد جواد. (۱۳۸۹) مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران. قم: بوستان کتاب، چاپ دوم.

بوشهری، جعفر. (۱۳۵۵) حقوق اساسی تطبیقی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.

۱۰۲ جستارهای سیاسی معاصر، سال ۱۴، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲

بوشهری، جعفر. (۱۳۹۰) حقوق اساسی، ج اول، مبانی حقوق اساسی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
جوان آراسته، حسین. (۱۳۸۸) گزینش رهبر و نظارت بر او در نظام جمهوری اسلامی ایران، پژوهشگاه
حوزه و دانشگاه، چاپ اول.

جوهری، اسماعیل بن محمد. (۱۴۰۷ق) صحاح اللغة. به تحقیق عبدالغفور عطار. بیروت: دارالعلم للملایین.
زمخشری، محمود بن عمر، [بی تا]. اساس البلاغه. به تحقیق عبدالرحیم محمود؛ عرف به امین الخولی. بیروت:
دارالمعرفه.

زبیدی، محمد مرتضی، [بی تا]. تاج العروس. بیروت: دارالهدایه.

شرتونی، سید الخوری، [بی تا]. اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد. [بی جا]: دارالکتب الاسلامیه ج ۳.
شرف‌الدین موسوی، سید عبدالحسین، (۱۳۹۰) المراجعات. تهران: چاپ و نشر بین الملل، چاپ چهاردهم.
شعبانی، قاسم. (۱۳۹۴) حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات
اطلاعات، چاپ ۵۴.

شهیدثانی، زین الدین بن علی. (۱۳۶۱) تمهید القواعد. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۶۲) المیزان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات محمدی، چاپ مروی.
طریحی، فخرالدین. (۱۳۸۷) مجمع البحرین. محقق احمد حسینی، تهیه و تنظیم محمود عادل. تهران: دفتر
نشر فرهنگ اسلامی.

فیومی، احمد بن محمد. (۱۹۸۷م = ۱۳۶۶) المصباح المنیر معجم عربی - عربی. لبنان: مکتبه لبنان .

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۸.

قانون اساسی امریکا، مصوب ۱۷۸۹م.

قانون اساسی جمهوری فدراتیو روسیه.

قانون اساسی ژاپن. (۱۳۶۸) تهران: اداره کل قوانین و مقررات کشور.

قانون اساسی فرانسه (۱۳۷۶)، اداره کل توافقات بین المللی.

قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل. (۱۳۷۶) حقوق اساسی و نهادهای سیاسی. تهران: میزان.

معین، محمد (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی (یک جلدی)، تهران: اشجع.

مطهری، مرتضی. (۱۳۷۶) ولاءها و ولایت ها. تهران: صدرا.

نراقی، احمد بن محمد مهدی. [بی تا]. عوائد الايام. قم: مکتبه بصیرتی.

نجفی، شیخ محمد حسن (صاحب جواهر). (۱۹۸۱م) جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دارالتراث
العربی، (الطبعه السابعه).

هاشمی، سید محمد. (۱۳۷۷) حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر دادگستر، چاپ سوم.